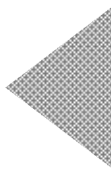


بررسی بایسته‌های طراحی مجتمع‌های خدماتی - رفاهی میان‌راهی با رویکرد توسعه درون‌زا در سبزوار با تأکید بر توانمندی‌های فرهنگی



غلامحسین ناصری^۱

محسن عزیزی^۲

موسی الرضا غربی^۳

(تاریخ دریافت ۹۴/۶/۲۰ - تاریخ تصویب ۹۴/۱۰/۱۵)

چکیده

به‌طور کلی آنچه ایده مرکزی این مقاله را شکل می‌دهد، دعوت برنامه‌ریزان به در نظر گرفتن ملاحظات محلی در ارائه و اجرای برنامه‌های توسعه است. در واقع ملاحظات محلی در امر توسعه نرم‌افزارهایی هستند که زمینه لازم را برای امور سخت‌افزاری توسعه فراهم می‌کنند؛ از این رو به نظر می‌رسد بدون شناخت عمیق از این ملاحظات نمی‌توان برای توسعه جامعه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت انجام داد. در دهه‌های اخیر یکی از برنامه‌های عمرانی در سطح جاده‌های کشور، طراحی و اجرای مجتمع‌های خدماتی - رفاهی میان‌راهی در جاده‌های اصلی کشور جهت سازمان‌دهی خدمات و رفاه بیشتر مسافران و در نهایت افزایش معیارهای استانداردشدگی راه‌های کشور است. در این زمینه طرح‌هایی جامع جهت مکان‌یابی و اجرای این مجتمع‌ها در کشور تدوین شده است. بر اساس یک طرح جامع مکان‌یابی مجتمع‌های خدماتی -

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد واحد دامغان، naseri_8224@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد معماری دانشگاه آزاد واحد دامغان، mohsenazirad@yahoo.com

۳- دانشجوی دکتری انسان‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، mosarezagharbi@ut.ac.ir

رفاهی میان‌راهی، قریب به ۵۰۰ مکان اجرا و تأسیس این مجتمع‌ها در نظر گرفته شده است. اما آنچه در این طرح مغفول واقع شده، جایگاه منطقه استقرار این مجتمع‌ها و فرهنگ و جامعه محلی آن منطقه است. داده‌ها و تحلیل‌های این مقاله که به روش کیفی ارائه شده است، در راستای نشان دادن اهمیت ملاحظات فرهنگی و محلی در بازدهی مطلوب‌تر این مجتمع‌ها در منطقه سبزوار مطرح شده است. سبزوار به عنوان شهری که در مسیر یکی از مهم‌ترین راه‌های ایران قرار دارد، فاقد یک مجتمع خدماتی- رفاهی کارآمد و درخور توجه برای مسافران و رهگذران است. از این رو با توجه به آنچه گذشت، طراحی و احداث چنین مجتمعی می‌تواند به‌عنوان یک برنامه توسعه‌ای در منطقه مطرح باشد. مقاله حاضر با رویکرد توسعه درون‌زا به قابلیت‌های فرهنگی منطقه تأکید کرده، طرحی را پیشنهاد می‌دهد که می‌تواند ضمن حفظ میراث فرهنگی و ارج نهادن به آن در دو حوزه فرهنگ مادی (یخچال‌ها به‌عنوان سازه‌ای سنتی) و فرهنگ معنوی (آیین‌ها و سنت‌های فرهنگی منطقه) زمینه را برای توسعه پایدار و متوازن فراهم آورد. به عبارتی دیگر، می‌توان گفت تکیه به عناصر و توانمندی‌های درونی و بومی در برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای شرایط مناسب را جهت حرکت در مسیر یک توسعه پایدار و معنادار منطقه‌ای فراهم می‌آورد.

واژگان کلیدی: توسعه‌درون‌زا، مجتمع‌های خدماتی- رفاهی میان‌راهی، میراث آیینی- اجرایی سبزوار، یخچال‌های سنتی سبزوار.

مقدمه و طرح مسئله

از سال‌های پایانی قرن بیستم، بحث از توسعه و توسعه پایدار^۱ به‌طور وسیع در مجامع بین‌المللی مطرح شده و توجه کشورهای زیادی از توسعه‌یافته و نیافته را به خود معطوف کرده است. توسعه را زمانی پایدار تلقی می‌کنند که مخرب نبوده و امکان حفظ منابع را برای آیندگان فراهم کند (زاهدی، ۱۳۸۶: ۵)، یا به تعبیر گزارش کنفرانس جهانی محیط‌زیست و توسعه موسوم به گزارش "برانت‌لند" توسعه پایدار "توسعه‌ای است که نیازهای نسل حاضر را برآورده کند بدون آنکه به توانایی نسل‌های آینده جهت برآورده کردن نیازهای خودشان لطمه‌ای

بزند" (البوت، ۱۳۹۲: ۷). یکی از مؤلفه‌های که در توسعه پایدار هر منطقه مطرح است، توجه و در نظر گرفتن توانمندی‌ها، استعدادها و پتانسیل‌های آن منطقه است. به نظر می‌رسد این مسائل را می‌توان در قالب الگوی توسعه درون‌زا^۱ مطرح کرد. در این الگو منابع داخلی و شرایط اجتماعی و تاریخی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه خودی مورد توجه قرار می‌گیرد و بر این واقعیت تأکید می‌شود که چگونه می‌توان شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه را تغییر داد که عوامل بازار بتوانند با عمل خود نیازهای داخلی جامعه را تأمین کنند (از کیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۵۵). در این میان شاید بتوان تأکید بر شرایط فرهنگی در امر توسعه را در قالب توسعه فرهنگی مورد بررسی قرار داد. بنابر تعبیری از توسعه فرهنگی، توسعه بر مبنای گسترش سنت‌ها و تجارب گذشته انجام می‌گیرد و نه نفی آن‌ها. در واقع در این معنا، توسعه فرآیندی است که در آن سنت‌ها و تجارب گذشته از نو و بر اساس نیازها و شرایط تازه بازاندیشی و بازسازی می‌شوند و از این طریق جامعه خود را بارور می‌کند و توانایی‌های بالقوه انسان‌ها شکوفا می‌شود (از کیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۴۹).

در ایران نیز توجه به توسعه و عوامل مؤثر بر آن از جمله مسائلی بوده است که کمابیش ذهن پژوهشگران و محققان حوزه‌های مختلف به‌ویژه علوم اجتماعی را به خود معطوف کرده است. ایران به عنوان کشوری با تاریخ گسترده و سنت‌های فرهنگی متنوع خود، حوزه تمدنی خاصی تحت عنوان تمدن ایرانی شکل داده است. به نظر می‌رسد، طراحی و تحلیل و اجراء برنامه‌های توسعه محور با توجه به این سنت‌های فرهنگی می‌تواند زمینه را برای بازده بهتر و گسترده‌تر این برنامه‌ها فراهم آورده و در نهایت بستر و زمینه بومی توسعه را مهیا سازد. در واقع این سنت‌های فرهنگی، نرم‌افزارهایی هستند که زمینه لازم را برای امور سخت‌افزاری توسعه فراهم می‌کنند؛ از این‌رو، اساساً نمی‌توان بدون شناخت عمیق از سنت‌های فرهنگی، نسخه‌ای برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت جامعه پیچید.

در دو دهه اخیر یکی از برنامه‌های عمرانی در سطح جاده‌های کشور، طراحی و اجرای مجتمع‌های خدماتی- رفاهی میان‌راهی در جاده‌های اصلی کشور جهت سازمان‌دهی خدمات و رفاه بیشتر مسافران و در نهایت افزایش معیارهای استانداردشدگی راه‌های کشور است. در این

زمینه طرح‌هایی جامع جهت مکان‌یابی و اجرای این مجتمع‌ها تدوین شده است. بر اساس یک طرح جامع مکان‌یابی مجتمع‌های خدماتی- رفاهی میان‌راهی، قریب به ۵۰۰ مکان جهت اجرا و تأسیس این مجتمع‌ها در نظر گرفته شده است (شيعه و بدری، ۱۳۸۴: ۶۹). اما آنچه در این طرح و طرح‌های مشابه عمدتاً مغفول واقع شده، جایگاه منطقه استقرار این مجتمع‌ها و مقتضیات و ملاحظات فرهنگی و محلی آن است. باید توجه داشت که نقش این مجتمع‌ها و نحوه خدمات‌رسانی آن‌ها فقط به مسافران محدود نمی‌شود بلکه باید به تأثیرات و تعاملات متقابل این مجتمع‌ها و حوزه‌ها و ساختارهای گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، کالبدی، بازرگانی و غیره محل استقرار نیز توجه داشت. با حرکت از چنین مسئله‌ای مقاله حاضر درصدد جلب توجه به‌سوی برخی ملاحظات جغرافیایی و فرهنگی منطقه سبزوار در جهت طراحی و اجرای مجتمع‌های خدماتی- رفاهی میان‌راهی در این منطقه است. به عبارتی دیگر ملهم از مباحث توسعه درون‌زا، مطالعه حاضر درصدد است با توجه و استفاده از برخی ویژگی‌های منطقه مورد مطالعه به‌ویژه سنت‌های فرهنگی آن به‌عنوان عوامل درونی، برنامه‌ای عمرانی در جهت توسعه منطقه ارائه کند. نتیجه چنین توجهی به عوامل درونی (در اینجا میراث آیینی و روایی به‌طور خاص و میراث فرهنگی به‌طور عام) به‌عنوان امور نرم‌افزاری توسعه، موجب افزایش کارایی و موفقیت برنامه‌های توسعه (در اینجا برنامه ایجاد مجتمع خدماتی- رفاهی) به‌عنوان امور سخت‌افزاری توسعه می‌گردد.

روش‌شناسی

با توجه به اهداف و مسئله این پژوهش، مقاله حاضر در دسته پژوهش‌های کاربردی و توسعه‌ای قرار می‌گیرد. این مقاله از نظر روش‌شناسی یک پژوهش کیفی است، بنابراین بیشتر با ارائه توصیف‌های استدلالی و تحلیلی همراه است و کمتر به شمارش و اندازه‌گیری و ارائه آمار متکی است (بلیکی، ۱۳۸۴). گردآوری داده‌های پژوهش برای شکل دادن به چنین توصیفاتی عمدتاً از طریق استفاده از روش اسنادی یا کتابخانه‌ای میسر شده است. با این حال برخی از داده‌های این پژوهش از خلال بهره‌گیری از برخی تکنیک‌های روش کیفی مانند مشاهده و مصاحبه مردم‌نگارانه حاصل شده است.

چنان‌که گذشت هدف این پژوهش از عرضه یافته‌ها و تحلیل شرایط، ارائه چشم‌اندازی برای

سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای است، از این رو رویکرد عمده آن، سیاست‌پژوهی و یا تصمیم‌پژوهی است. در این رویکرد هدف طرح موضوع و ابعاد و یافته‌های آن به گونه‌ای عینی و کاربردی است، به صورتی که برای برنامه‌ریزان قابل بهره‌برداری باشد. این مسئله تلفیق اطلاعات از منابع مختلف و متنوع را در جهت تحلیل موضوع واحد ایجاب می‌کند. چنین روشی در سیاست‌پژوهی با عنوان روش "ترکیب متمرکز"^۱ شناخته می‌شود (عنبری، ۱۳۹۲: ۱۱۰).

توسعه درون‌زا

تجارب کشورهای مختلف در زمینه توسعه حاکی از آن است که ارائه الگویی واحد برای توسعه همه کشورهای چندان منطقی به نظر نمی‌رسد. به عبارتی دیگر به نظر می‌رسد نگاه صرفاً کلان به مسئله توسعه در ابعاد مختلف آن بدون در نظر گرفتن رویکردهای خردتر، چندان موفقیت‌آمیز نخواهد بود. تجربه کشورهای موفق در زمینه توسعه نشان می‌دهد یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت آن‌ها، در نظر گرفتن شرایط ویژه جامعه هدف و طراحی و برنامه‌ریزی رهیافت‌ها و راهبردهای ویژه با توجه به شرایط آن جامعه است. کشورهایی همچون ژاپن، چین و برخی کشورهای دیگر شرق آسیا در مسیر توسعه خود از چنین الگوهایی پیروی کرده‌اند. البته این به معنی نفی یکسره تجارب و اصول و الگوهای کلی سایر کشورها در زمینه توسعه نیست بلکه به این معنی است که آن تجارب و الگوها را باید پس از به‌روز کردن با آخرین یافته‌های علمی توسعه، با الزامات و ملاحظات و تجارب عملی، بومی و محلی موجود در هر محیطی تکمیل کرد و با بینشی جامع و ترکیبی توأمان از کارکردها و دیگر ابعاد توسعه کشورهای مختلف، در راه رسیدن به توسعه تلاش کرد (مطیعی لنگرودی و شمسایی، ۱۳۸۸: ۱۸). چنین رویکردی به مسئله توسعه در ایبات توسعه با عنوان توسعه درون‌زا شناخته می‌شود.

این رویکرد از اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ در مقابل رویکرد توسعه از برون یا توسعه برون‌زا مطرح شد (پاپلی‌یزدی، ۱۳۸۱: ۳۴). در این دیدگاه توسعه صرفاً به مفهوم رشد یا توسعه اقتصادی محدود نیست و توسعه‌نیافتگی در عدم انعطاف نهادی، ساختی، اقتصادی و تحت سلطه بودن و وابستگی به کشورهای توسعه‌یافته تلقی می‌شود (رضوانی، نظری و خراسانی، ۱۳۸۹: ۱۳۳).

این الگو از توسعه بر خلاف الگوی توسعه برون‌زا، الگویی است که منشأ و رویکردی داخلی را در امر توسعه مدنظر قرار می‌دهد. در این الگو به منابع داخلی و شرایط تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی جامعه توجه می‌شود. از این‌رو این الگو، خودی و بر اساس شرایط و الزامات و امکانات جامعه محلی است. به عبارتی با ملاحظات تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی جامعه مورد نظری ارتباط نبوده، بر اساس آن طراحی و اجرا می‌شود. بنابراین این الگو از توسعه را می‌توان به‌عنوان توسعه افقی، توسعه از پایین به بالا و توسعه مبتنی بر استعدادهای بالقوه مردمی و فرهنگی قلمداد کرد. آنچه به‌عنوان خروجی این الگو از توسعه مورد انتظار است، توسعه‌های همگون و متوازن در جامعه است. ملهم از این فضای نظری مطالعه حاضر درصدد است با توجه و استفاده از برخی ویژگی‌های منطقه مورد مطالعه به‌ویژه سنت‌های فرهنگی آن، بایسته‌های برنامه‌ای عمرانی جهت حرکت در مسیر توسعه پایدار و متوازن منطقه ارائه نماید.

یافته‌ها

ارتباط و برخورد میان فرهنگ‌ها و جوامع یکی از محرکه‌های اصلی پویایی فرهنگ است که امکان اشاعه فرهنگی و امکان استفاده از دستاوردهای فرهنگی سایر جوامع را برای فرهنگ‌های مختلف فراهم می‌آورد. در این میان، راه به‌عنوان نخستین و طبیعی‌ترین وسیله، زمینه برقراری مؤثرتر و ارتباط میان فرهنگ‌های گوناگون انسانی را فراهم آورده است. از این‌رو به نظر می‌رسد می‌توان راه را در زمره مهم‌ترین دستاوردها و ابداعات بشر قرارداد. اهمیت و کارکرد راه به تدریج به حدی رسیده است که تصور هر کشوری بدون راه غیرممکن به نظر می‌رسد (رفیع فر و لرافشار، ۱۳۸۲: ۳۹). بدیهی به نظر می‌رسد که جهت بهره‌وری و کارایی بیشتر این وسیله ارتباطی و سهولت کاربران آن یعنی مسافران و عابران از دیرباز تمهیداتی در نظر گرفته می‌شده است. اقامتگاه‌های میان‌راهی یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین این تمهیدات بوده است. در این میان ایران به دلیل وسعت و قرارگیری در مسیر شاهراه‌های ارتباطی شرق و غرب، شمال و جنوب و استقرار اقوام مختلف از دیرباز در ایجاد اقامتگاه‌ها برای کاروان‌ها، پیشتاژ و طلایه‌دار بوده است. بر اساس مستندات تاریخی، ایران از پیشگامان احداث راه و تأسیسات وابسته به آن مانند چاپارخانه، میل‌های راهنما، رباط، کاروانسرا و آب‌انبارها و تأسیساتی از این دست بوده است (هادی‌زاده

کاخکی، ۱۳۸۹: ۷). راه‌ها و مسیرهای کنونی ایران که شهرها و آبادی‌ها را به یکدیگر، شرق را به غرب، شمال را به جنوب و کشور را به سایر سرزمین‌ها متصل می‌کند، نسبت به طرح راه‌ها و جاده‌ها در ایران قدیم تفاوت چندانی نکرده است. این عدم تغییر ناشی از الگویی است که اقلیم ایران ایجاب کرده است. بیابانی و خشکی فلات ایران، از دیرباز موجب شده است آبادی‌ها و مراکز جمعیتی کشور در فاصله‌های زیادی از هم قرار بگیرند. در نتیجه جهت اتصال و برقراری ارتباط میان این مراکز جمعیتی، ایجاد شبکه منظم و گسترده از راه اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. این شرایط که در همه ادوار تاریخ وجود داشته است همچنان به قوت خود پابرجاست و به‌عنوان مهم‌ترین و مؤثرترین عامل در شکل‌دهی و قالب‌ریزی راه‌های کشور مطرح است.

گرچه امروز خطوط حمل‌ونقل هوایی و ریلی از سهم قابل توجهی در سیستم حمل‌ونقل کشور برخوردار هستند، به نظر می‌رسد خطوط زمینی و جاده‌ها به‌ویژه در زمینه حمل‌ونقل مسافران و گردشگران از اهمیت بیشتری برخوردارند. این مسئله می‌تواند به علت اقبال و ترجیح عمومی مردم به استفاده از وسایل حمل‌ونقل شخصی در مسافرت‌ها ناشی شده باشد. بنابراین تجهیز و احداث تأسیسات و تسهیلات میان‌راهی بیش‌ازپیش ضروری به نظر می‌رسد. چنانکه گذشت در سال‌های اخیر احداث مجتمع‌های خدماتی- رفاهی در جاده‌های کشور به‌منظور سازمان‌دهی خدمات میان‌راهی جاده‌ای و افزایش رفاه مسافران مورد توجه واقع شده است، اما نکته‌ای که کمتر به آن توجه می‌شود، این است که نقش این مجتمع‌ها و نحوه خدمات‌رسانی آن‌ها فقط به مسافران و رهگذران محدود نمی‌شود بلکه این مجتمع‌ها می‌توانند با منطقه و محل استقرارشان وارد یک رابطه شوند. رابطه‌ای که می‌تواند مانند تیغی دو لبه عمل کرده، دارای اثرات مثبت و یا اثرات منفی باشد. اگر در طراحی و اجرای این مجتمع‌ها ملاحظات منطقه‌ای به‌ویژه در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی در نظر گرفته شود، می‌تواند سویه‌های مثبت خود را نشان داده و ضمن ایجاد توسعه اقتصادی برای منطقه محل استقرار، زمینه را برای رسیدن به توسعه پایدار و توسعه متوازن آن منطقه فراهم کند. اما اگر این ملاحظات در نظر گرفته نشوند و یا کمتر در نظر گرفته شوند، علاوه بر اینکه مسافران و رهگذران از پتانسیل‌های گوناگون منطقه بی‌بهره خواهند بود، چه‌بسا حضور آن‌ها برای منطقه همراه با تبعات منفی در حوزه‌های زیست‌محیطی، اجتماعی، فرهنگی و غیره باشد. از این‌رو در ادامه به بررسی برخی از ویژگی‌های منطقه سبزوار به‌عنوان یک منطقه برای استقرار مجتمع‌هایی از این دست می‌پردازیم.

سبزوار یک شهر ارتباطی

راه را وسیله‌ جابه‌جا کردن ثروت تلقی کرده‌اند زیرا فرآورده‌های کشاورزی و صنعتی را از طریق آن از محل تولید به محل مصرف منتقل می‌کنند (احتشامی، ۱۳۸۱: ۹). این بعد اقتصادی راه‌ها موجب شده است که برخی آبادی‌ها و شهرها که در مسیر راه‌ها قرار می‌گیرند دارای اهمیتی بیش‌ازپیش شوند. این اهمیت گاه تا آنجا پیش می‌رود که می‌تواند حتی کارکرد عمده و نقش شهر و آبادی‌های را دست‌خوش تغییر قرار دهد. چه‌بسا تحت تأثیر عامل راه ارتباطی کارکرد عمده یک شهر و آبادی، کارکرد ارتباطی گردد یا این بعد و نقش از سایر ابعاد و نقش‌هایی که شهر یا آبادی داشته، برجسته‌تر شود و یا حتی در مواردی آبادی و روستاهایی به‌واسطه در مسیر راه‌های مهم قرار گرفتن، تبدیل به شهرهای ارتباطی شده‌اند.

وجود مجموعه‌ای از عوامل طبیعی، تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی موجود در منطقه سبزوار باعث شده است شهر سبزوار از دیرباز به‌عنوان شهری که یکی از مهم‌ترین کارکردهای آن نقش ارتباطی است، مطرح شود. در این راستا یافته‌های باستان‌شناسی از محوطه‌ای در مجاورت شهر سبزوار، نشانه‌های از سکونت در این منطقه را در پنج تا شش هزار سال پیش می‌رساند (سنگ‌سفیدی و عبدالله‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۰). به نظر می‌رسد موقعیت جغرافیایی سبزوار و قرار گرفتن آن بر سر راه مواصلاتی شرق به غرب و غنای این منطقه از نظر منابع معدنی و کانسارها (نوار اُفیولیتی سبزوار و معادن فیروزه نیشابور) از عوامل مهمی است که باعث شده این منطقه در هزاره سوم پیش از میلاد در شبکه گسترده مبادلات ایفای نقش کند (وحدتی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۵). بر اساس یافته‌های محوطه باستانی تپه دامغانی، اقوامی بومی در این منطقه ساکن بوده‌اند که دارای ارتباطاتی فرهنگی با تمدن‌های شبه‌قاره هند و آسیای میانه بوده‌اند (وحدتی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۵). در دوران تاریخی نیز سبزوار به‌عنوان یکی از شهرهای دروازه غربی خراسان همواره محل تاخ و تاز سلاطین و ورود و خروج اقوام مختلف بوده است. حضور و سکونت اقوام مختلف کرد، ترک و بلوچ و فارس در ناحیه خود نشانی بر این مسئله است. از سوی دیگر قرار گرفتن سبزوار در شاهراه تاریخی جاده ابریشم که چین را به اروپا پیوند می‌داده است (بیهقی، ۱۳۷۰: ۱۵۶)، اهمیت ارتباطی سبزوار را برجسته‌تر می‌سازد. به نظر می‌رسد، این وجه ارتباطی به‌خصوص پس از حکومت صفویه و گسترش رسمی مذهب تشیع به علت بعد مذهبی خراسان، پیش از پیش برجسته‌تر شده باشد. از آن زمان به بعد همواره عوام و خواص برای زیارت بارگاه ملکوتی امام

رضا(ع) به سمت خراسان سرازیر شده‌اند. سفر شاه اسماعیل در عهد صفوی و در دوره قاجار سفرهای ناصرالدین شاه به خراسان و توقف در سبزوار گواهی بر این مسئله است (داون، ۱۳۶۳: ۶۸۹؛ امین لشکر، ۱۳۷۴). از طرفی مردم سبزوار همواره از روی ارادت به حضرت امام رضا(ع) که نزد آنان به سلطان علی بن موسی الرضا(ع) نیز شناخته می‌شود، در خدمت‌رسانی هر چه بهتر به زائران حرم رضوی کوشیده‌اند. شکل‌گیری کاروانسراهای متعدد و وقف آب و زمین جهت خدمت‌رسانی به عابرین و زائرین حرم امام رضا(ع) گواهی به این مدعاست. چنانکه اسناد نشان می‌دهد قدیمی‌ترین سند وقفی که در اداره اوقاف سبزوار به ثبت رسیده است مورد خرج عابرین و زائرین امام رضا(ع) را دارد (قریشی، ۱۳۷۹: ۲۳۷).

امروز فاصله شهر سبزوار با شهر مشهد در شرق ۲۲۰ کیلومتر و با تهران در غرب آن ۶۷۰ کیلومتر است. بزرگراه تهران-مشهد از مرکز شهرستان سبزوار می‌گذرد و موقعیت قرارگیری و دسترسی آن به بزرگراه مذکور موجب شده است که بخشی از ارتباط از جنوب و شمال خراسان به تهران از طریق این شهر صورت گیرد. بنابر آنچه گذشت به نظر می‌رسد قرار گرفتن سبزوار بر چهارراه ارتباطی شمال و جنوب و دسترسی ساده به پایتخت، موقعیت ارتباطی ممتازی را به این شهر بخشیده است. بعد از مشخص شدن اهمیت ارتباطی سبزوار با توجه به مسئله مقاله به دو پتانسیل فرهنگی منطقه در بعد فرهنگ مادی و معنوی جهت کاربست در طراحی و اجرای مجتمع‌های میان‌راهی اشاره می‌شود. در بعد فرهنگ مادی، سازه‌های سنتی یخچال در سبزوار مورد بررسی قرار می‌گیرند و در بعد معنوی به میراث آیینی و اجرایی منطقه توجه می‌شود.

یخچال‌ها

سبزوار به‌عنوان شهری در حاشیه کویر شناخته می‌شود. یکی از ویژگی‌های اساسی منطقه سبزوار اقلیم خشک آن است، چنانکه در تقسیمات اقلیمی کشور، این منطقه جزئی از اقلیم فلات مرکزی ایران و دارای آب‌وهوای نیمه بیابانی با تابستان‌های گرم و خشک و زمستان‌های نسبتاً سرد قلمداد شده است (ولایتی و توسلی، ۱۳۷۰: ۱۱۸). این ویژگی طبیعی منطقه مانند سایر نقاط کویری ایران موجب پاسخ‌های فرهنگی جالب توجهی در منطقه شده است. این پاسخ‌های فرهنگی خود را در دو حوزه فرهنگ مادی و فرهنگ معنوی منطقه نشان می‌دهند. در حوزه فرهنگ مادی ابداع و به‌کارگیری فناوری قنات، ابداع و به‌کارگیری شیوه‌های سنتی برای مقابل

با کم آبی، شیوه‌های آبیاری سنتی، آب‌انبارها، آسیاب‌ها، معماری سنتی و یخچال‌ها و در حوزه فرهنگ معنوی شکل‌گیری و اجرای آیین‌های تمنای باران، آیین‌های باروری آب، آیین‌های تقسیم و همیاری آب از جمله جلوه‌های فرهنگی این مسئله هستند. در ادامه به یخچال‌ها به‌عنوان یکی از جلوه‌های مادی این مسئله توجه می‌شود.

یخچال‌ها سازه‌هایی هستند که در فلات ایران ابداع و به‌کار برده شده‌اند. مناطقی که در فلات ایران واقع شده‌اند از نظر اقلیمی دارای دو ویژگی عمده هستند: زمستان‌های سرد و با حداقل بیست روز یخبندان و تابستان‌های بسیار گرم (هورکارد، ۱۳۷۴: ۵۸). در این مناطق از سرمای زمستانی جهت غلبه بر گرمای تابستانی استفاده می‌شود. در این فناوری سنتی یخ فراهم‌شده در فصل سرما را جهت استفاده در فصل گرما انبار و نگهداری می‌کنند. به طبع در مناطقی که ویژگی اقلیمی مشابه آنچه در بالا ذکر شد، وجود نداشته باشند؛ این فناوری سنتی کارایی لازمه را نخواهد داشت. در نوار شمالی و جنوبی کشور به علت فقدان زمستان‌های سخت همراه با یخبندان و در مناطق غربی ایران مانند آذربایجان و کردستان خنکی نسبی هوا در تابستان، امکان و ضرورت ایجاد این فناوری را کمتر ایجاب کرده است. ساختمان یخچال‌ها از پیچیدگی خاصی برخوردار نبوده و معمولاً تزئینات ویژه‌ای در آن در نظر گرفته نشده است، چراکه یخچال‌ها در حقیقت یک واحد تولیدی بوده و عمدتاً در معرض تردد و دید عموم نبوده‌اند. از این رو برخلاف مساجد و انبارها، استفاده از تزئینات در آن‌ها چندان ضروری به نظر نمی‌رسیده است (پاپلی‌یزدی و لباف‌خانیکی، ۱۳۷۸: ۳۳۸). با وجود این یخچال‌ها به‌عنوان سازه‌های سنتی و بخشی از معماری تاریخی و مردمی ایران مورد تمجید و تحسین گروهی از پژوهشگران بوده و از آن با عناوینی همچون شاهکار معماری کویر، معجزه فروتنانه خشت خام و دست‌های پرتوان معماران و شاهکارهای معماری پایدار یاد شده است (شفقی، ۱۳۸۶: ۴۲؛ علایی، رنجبر و سبزی، ۱۳۹۳؛ علیزاده‌گوهری و لطیفی، ۱۳۸۵؛ مرادی نسب و رهبری، ۱۳۹۲؛ محبی‌فر و مشاهدینی، ۱۳۹۳؛ علایی، مقدسی و آقاصفیری، ۱۳۹۲). ارزش معماری یخچال‌ها در ساختمان آن به‌ویژه از نظر عایق‌کاری، حفظ برودت درون سازه برای نگهداری یخ و مصالح ساختمانی است (شفقی، ۱۳۸۶: ۴۲). به‌طور کلی هر یخچال دارای سه قسمت اصلی بوده است: ۱. دیوار سایه‌انداز، ۲. حوضچه‌های تهیه و تولید یخ، ۳. مخزن و آب‌انبار. معمولاً شب‌هنگام آب به حوضچه تهیه یخ که در مجاورت دیوار سایه‌انداز قرار دارد منتقل می‌شود. این آب در اثر برودت هوا تبدیل به یخ

می‌شود. سپس آن یخ‌ها را در داخل یخچال‌ها در مخزنی که به صورت چاله‌ای بزرگ است، انبار می‌کنند. بنابراین واژه "یخچال" یا "چاله یخ" نام مناسبی برای این سازه فرهنگی است (صفی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۲۴۲).

یخچال‌های سبزوار با توجه به اقلیم منطقه از نوع یخچال‌های گنبدی بوده و قدمت آن‌ها به دوره قاجار می‌رسد. اسناد، گواهی بر تعدد این سازه در شهر سبزوار و حاشیه آن است (پاپلی‌یزدی و لباف‌خانیک، ۱۳۸۷: ۳۳۸؛ عبدالله‌زاده ثانی، ۱۳۸۶؛ معماری؛ ۱۳۹۲). برخی منابع تعداد این یخچال‌ها را ۲۹ عدد ذکر کرده‌اند (عبدالله‌زاده، ۱۳۸۶) و برخی از تعداد ۲۳ عدد یخچال‌های در شهر سبزوار سخن به میان آورده‌اند (معماری، ۱۳۹۲). تعدد حضور و کاربرد این سازه در این شهر را می‌توان از دو جهت تحلیل کرد؛ از سویی می‌تواند نشان از رونق اقتصادی این شهر باشد؛ چرا که مصرف کالایی همچون یخ عمدتاً مصرفی اشرافی بوده است و هرچند برخی منابع نشان می‌دهد حتی فقیرترین مردم شهرهای ایران نیز از مصرف یخ در تابستان بهره‌مند بوده‌اند، می‌توان این مصرف را در سایه مصرف اشراف تلقی کرد. در واقع می‌توان گفت این تقاضای اشراف است که تولید و ذخیره یخ را عمدتاً توجیه و پشتیبانی اقتصادی می‌کرده است. به عبارت دقیق‌تر در غالب موارد در احداث و راه‌اندازی این سازه پای متمولان در میان بوده است. این قشر به مرغوب‌ترین و باکیفیت‌ترین نوع یخ دسترسی داشته‌اند. سایر قسمت‌های یخ‌های ذخیره شده که انواع بی‌کیفیت‌تری از یخ را شامل می‌شده به مصرف اقشار پایین‌تر و سایر مصارف می‌رسیده است؛ اما با توجه به قرار گرفتن عمده این یخچال‌ها در بیرون از شهر و در مسیر گذر کاروانیان، به نظر می‌رسد می‌توان تعدد این یخچال‌ها را در جهت سرویس‌دهی به مسافران و زائران تلقی و تفسیر کرد. این یخچال‌ها عمدتاً در اطراف شهر سبزوار به‌ویژه در محله آب‌قصبه، گلشن، جنوب نقابشک و جنوب سی هزار متری وجود داشته‌اند (محمدی، ۱۳۸۱: ۲۲۸). از میان یخچال‌های متعدد سبزوار تنها سه یخچال که در حاشیه جنوبی سبزوار و در سمت جنوبی جاده کمربندی تهران - مشهد قرار دارند، باقی‌مانده‌اند. گرچه این سه یخچال در سال ۱۳۸۱ در فهرست آثار ملی به شماره ۴۸۱۲ ثبت شده‌اند اما به علت عدم رسیدگی و اقدامات احیایی در شرایط مطلوبی قرار ندارند. از این رو اقدام فوری مراجع ذی‌صلاح در این زمینه لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

یخچال‌های اخیر نزدیک به هم و تقریباً هم‌اندازه بوده و فاصله هر یک از یخچال‌ها از یکدیگر سه متر است. از این رو در برخی متون از آن‌ها با عنوان "یخچال‌های سه‌قلو" یاد شده است. ارتفاع

گنبد‌های آن‌ها از کف ده متر و چاله مخزن آن قطری به‌اندازه هشت متر دارد و حدوداً ۵ متر پایین‌تر از سطح زمین قرار دارد. در ورودی رو به دیوار سایه‌انداز در سمت غرب یخچال‌ها واقع شده است و ارتفاع آن از سطح زمین به حدود یک متر می‌رسد. در خروجی یخچال‌ها در سمت جنوب یخچال‌ها تعبیه شده است. سکویی راهرو گونه به عرض هفتاد سانتی‌متر دورتادور مخزن یخ ایجاد شده است. این سکو به وسیله پله‌هایی در خروجی را به کف مخزن متصل می‌کند (عبدالله‌زاده، ۱۳۸۶). عمده مصالح به‌کار رفته در این بنا، خشت خام، آجر، گل و کاه‌گل است. یخچالی که در قسمت شمال قرار گرفته دارای گنبدی ساقه‌دار است که این ساقه از بیرون قابل رؤیت بوده و از داخل مشابه دو یخچال دیگر است. اجرای گنبد به‌صورت گرد چین و پله‌ای بوده و شاغول آن داخلی است. چرا که نحوه چینش خشت‌ها از داخل منظم و دارای نمای تزئینی است. همچنین اندازه قطر آن از پایین به بالا در حال کم شدن است. قطر دیواره گنبد یخچال‌ها در پایه‌های آن نزدیک به ۱.۵ متر است و در سر به‌اندازه یک خشت می‌رسد ولی یخچال جنوبی در سر از بقیه قطورتر است.

در قسمت‌هایی از گنبد این بنا از تیرهای چوبی استفاده شده است که به دلیل فراهم آوردن سطحی جدید برای تحمل بار لایه بعدی چینه گلی خارج یخچال بوده است. بعد از هر لایه چوب دهانه گنبد جمع‌تر شده و پیش‌آمدگی بیشتری قابل رؤیت است. گرچه معمولاً یخچال‌ها تزئینات خاصی نداشته‌اند اما در یخچال‌های مورد بحث اجرای برخی از رج‌های داخلی گنبد، به‌صورت دندان موشی نمای زیبای به آن بخشیده است (نوباغی، ۱۳۸۸: ۱۷۷). تعداد این رج‌های دندان‌موشی در یخچال جنوبی از دو یخچال دیگر بیشتر است. با این حال به نظر می‌رسد این دندان‌موشی‌ها فقط دارای جنبه تزئینی نبوده و در جمع نمودن سر گنبد مانند تیرهای چوب عمل کرده و باعث پیش‌آمدگی بیشتر رج بعدی و خشت‌ها شده است. آنچه گذشت، حاکی از اهمیت یخچال‌ها در فرهنگ سنتی سبزوار و میراث فرهنگی آن است. از این ظرفیت فرهنگی مهم، تاکنون اقدام قابل توجهی در مسیر حفظ و بهره‌برداری امروزی از آن نشده است.

میراث آیینی و اجرایی منطقه

در بعد فرهنگی، یکی از ویژگی‌های مهم و جالب‌توجه سبزوار، وجود آیین‌هایی با کارکردهایی چندگانه است که از قرون گذشته تا امروز در مراسم گوناگون در سبزوار اجرا می‌شود. به

عبارتی دیگر به نظر می‌رسد که در این منطقه آیین‌های اجرایی و رسوم نمایش‌گونه به طرز جالب توجهی از نظر تنوع و گستردگی اجرا، نسبت به سایر سنن و رسوم در ارجحیت هستند (مقصودی و غربی، ۱۳۹۲: ۱۶۲). در واقع به تعبیر ویکتور ترنر انسان‌شناس آمریکایی گویی اجراهای فرهنگی و فرهنگ اجرایی نسبت به گونه دیگر فرهنگ در بین این مردم برجسته‌تر است. اهمیت این موضوع تا آنجا بوده است که اداره کل میراث فرهنگی خراسان رضوی برند سبزواری را با عنوان "سبزواری شهر آیین‌های نستوه" صورت‌بندی نموده است (بی‌نا، ۱۳۹۴). این برجستگی و گستردگی خود را حوزه‌های گوناگون حیات فرهنگی منطقه نشان می‌دهد. حوزه‌های سوگ، سرو و کشاورزی از مهم‌ترین جلوه‌های بروز و ظهور این برجستگی است. در ادامه به برخی از آیین‌هایی که جنبه‌های اجرایی غنی‌تری دارند، تحت عنوان سه مقوله آیین‌های سوگ، آیین‌های سرو و آیین‌های کشاورزی در قالب سه جدول جهت کاربست در طراحی و اجرای مجتمع‌های خدماتی- رفاهی میان‌راهی در منطقه اشاره مختصری می‌شود.

آیین‌های سوگ

یکی از مهم‌ترین و مبهم‌ترین پدیده‌هایی که انسان از گذشته‌های دور تا امروز با آن درگیر بوده است، پدیده مرگ است. مرگ همراه با ایجاد گسست و شکاف در میان انسان‌ها و در جایگاه‌های اجتماعی است؛ بنابراین جامعه به وسیله مکانسیم‌های گوناگونی از جمله مکانسیم‌های آیینی درصدد جبران این مسئله برمی‌آید. در این زمینه آیین‌های مختلفی در فرهنگ منطقه اجرا و کارکردی از این دست دارند؛ اما از آنجا که بخش عمده این آیین‌ها از جلوه‌های بصری و اجرایی چندانی برخوردار نیستند، در اینجا قابل طرح نیستند. از این میان تنها به آیین مویه‌خوانی که در منطقه با عنوان بیت‌ویج‌خوانی شناخته می‌شود، اشاره می‌شود.

برخلاف آیین‌های سوگ در معنای عام، آیین‌های سوگ حسینی (ع) از جلوه‌های بصری و اجرایی بسیار غنی برخوردارند. مردم سبزواری به عنوان یکی از دیرینه‌ترین مردم ایران که بر مذهب تشیع پافشاری کرده‌اند، در طراحی و اجرای مناسک و آیین‌های محرم اهتمام ویژه از خود نشان می‌دهند. چنانکه مطالعات و پژوهش‌ها نشان می‌دهد (سپهر و عسگری، ۱۳۹۲؛ عسگری، غربی و مصطفوی، ۱۳۹۲؛ غربی، ۱۳۹۳، فیاض و غربی، ۱۳۹۵؛ مقصودی و غربی، ۱۳۹۲) این آیین‌ها همراه با دلالت‌های هنری، اجتماعی و فرهنگی غنی است.

جدول (۱)- مختصات برخی از آیین‌های سوگ سبزوار

نام آیین	رواج	زمان اجرایی	اجرای منطقه	توضیحات
بیت‌ویج خوانی	دارد	مراسم عزا	جنوب سبزوار	در این آیین که معمولاً در مراسم روز دوم و سوم عزا اجرا می‌شود، وابستگان نزدیک فرد متفی با خواندن اشعاری خاص و انجام حرکات حزن‌انگیز به عزاداری می‌پردازند.
نخل	دارد	روز عاشورا	جنوب سبزوار	از آیین‌های عاشورایی که به‌طور نمادین تابوت امام حسین (ع) حمل می‌شود. آراستن و گرداندن این تابوت دارای جنبه‌های غنی اجرایی و آیینی است.
شیر	دارد	روز عاشورا	جنوب سبزوار	از آیین‌های عاشورایی که شخصی به هیبت شیر درمی‌آید و با انجام حرکات حزن‌آمیز و گریه به عزاداری برای سید و سالار شهیدان می‌پردازد.
العطش عباس	دارد	روز عاشورا	جنوب سبزوار	از آیین‌های عاشورایی که تعدادی کودک را درحالی که لباس‌های سبز پوشانده‌اند را درون ریسمانی می‌کنند و فردی که در هیبت اشقیاء است آنان را تازیانه می‌زند و در جلو هیبت عزاداران به‌عنوان نمادی از اسیران کربلا در حرکت هستند.
کاتب	دارد	روز عاشورا	جنوب سبزوار	از آیین‌های عاشورایی که فردی درحالی که در کجاوه نشسته و قلم‌مو به دست دارد به ثبت مصائب خاندان رسول می‌پردازد.
علم	دارد	روز عاشورا	جنوب سبزوار	در این آیین علم که نشان علم و بیرق امام حسین (ع) در کربلا است حمل می‌شود. این آیین دارای ابعاد بسیاری است که تحلیل‌های اجتماعی و فرهنگی چشم‌گیری را می‌توان از آن استنباط کرد.
قوم بنی اسد	دارد	روز یازده محرم	جنوب سبزوار	عده‌ای از زنان و مردان که کلنگ و بیل در دست دارند و ابیاتی را می‌خوانند به‌طور نمادین به کفن و دفن شهدای کربلا می‌پردازند.
تعزیه خوانی	دارد	عمدتاً در ایام محرم و صفر و در سایر ایام نیز از آن استقبال می‌شود.	تمام مناطق سبزوار	سبزوار یکی از مراکز اصلی تعزیه‌خوانی کشور است و تقریباً همه روستاهای آباد آن دارای گروه تعزیه‌خوانی است.

آیین‌های سُرُو

سُرُو و اعمال شادمانه از رایج‌ترین تظاهرات و اعمال در جوامع انسانی در تمامی ادوار و تمامی اقوام بشری بوده است. شادی و سُرُو به‌واسطه معانی و صورت‌های مختلفی که در جوامع مختلف به خود می‌گیرد، به‌عنوان پدیده‌ای فرهنگی مطرح است. در منطقه سبزوار نیز در طول سال به بهانه‌های مختلف از خلال اجرای مراسم آیینی جامعه به نیاز اعضای خود به نشاط و شادی پاسخ

می‌دهد. یکی از مهم‌ترین این بهانه‌ها، ازدواج است. ازدواج به‌عنوان شادترین جشن زندگی هر فرد مطرح است؛ از این رو طی فرآیند جشن ازدواج که جشنی طولانی و زمان‌بر است، معانی گوناگون اجتماعی و فرهنگی در قالب‌های آیینی و هنری که همراه با عناصر شادمانه است، به اجرا درمی‌آید. در جدول زیر به برخی از مهم‌ترین این آیین‌ها که می‌توان در راستای اهداف این مقاله از آن استفاده کرده، اشاره می‌شود.

جدول (۲) - مختصات برخی از آیین‌های سُر و سبزوار

نام آیین	رواج	زمان اجرایی	منطقه اجرایی	توضیحات
تُغوض	دارد	در جشن عروسی	تمام مناطق سبزوار	طی این آیین، هدایایی که توسط داماد برای عروس تهیه‌شده، در طبق‌های که با توجه به اصول زیباشناسانه در منطقه تزئین شده‌اند، بر روی سر توسط مهمانان به‌سوی خانه عروس حمل می‌شوند. این حرکت که همراهی سایر مهمانان را نیز در پی دارد، همراه با شادی و سازوآواز است.
حنابندان	دارد	در جشن‌های عروسی و ختنه‌سوری و سایر جشن‌ها	تمام مناطق سبزوار	این آیین معمولاً در جشن‌های عروسی و ختنه‌سوران در منطقه اجرا می‌شود. در این آیین که با حضور برخی از مهمانان عروسی و ختنه‌سوران اجرا می‌شود، حنا را در ظرفی تزئین کرده، دست عروس را با استفاده از حنا به‌وسیله اشکالی زیبا مانند گل تزئین می‌کنند.
اسب چوبی	دارد	در جشن‌های عروسی و ختنه‌سوری و سایر جشن‌ها	تمام مناطق سبزوار	نمایش سنتی اسب چوبی سبزوار نزد مردم از گذشته تا امروز عمدتاً در جشن‌های شادی مانند عروسی‌ها و ختنه‌سوران‌ها اجرا می‌شود. در این آیین فردی درحالی که صورت خود را پوشانده است به هیبتی زنانه درآمده سوار به اسبی چوبی می‌شود و با تعدادی از افراد به انجام حرکات نمایشی رزمی و بزمی می‌پردازد.
نارزنی		در جشن‌های عروسی و ختنه‌سوری و سایر جشن‌ها	تمام مناطق سبزوار	از آیین‌های عروسی است که هنگامه رفتن عروس به خانه بخت اجرا می‌شود. با رسیدن عروس به نزدیکی درب منزل، داماد انار قرمز رنگی را با قدرت به سمت او پرتاب می‌کند.

نام آیین	رواج	زمان اجرایی	منطقه اجرایی	توضیحات
هیزمی	صورت‌های دیگری از آن وجود دارد.	در جشن‌های عروسی و ختنه سوری	تمام مناطق سبزوار	تأمین سوخت برای ولیمه عروسی یکی از مهم‌ترین مسائل تدارکاتی است که همکاری و همیاری را می‌طلبیده است. این همیاری و تعاون از خلال آیین هیزمی محقق می‌شود. آیین هیزمی از آیین‌های همیاری منطقه است که در مراسم شادی و جشن عروسی و ختنه‌سوران برگزار می‌شود. در آیین هیزمی صاحب مراسم معمولاً از نزدیکان به‌ویژه از جوانان جهت مشارکت در این آیین دعوت می‌کند. معمولاً خروارهای هیزم همراه با ساز و نوا وارد روستا می‌شده‌اند. از پارچه که در فرهنگ آیینی منطقه، عنصر مهمی در تزئین و زیبانشناسی بومی به نظر می‌رسد نیز استفاده می‌کنند و بر روی خروارهای هیزم معمولاً پارچه‌های مخمل قرمز می‌انداخته‌اند. بنا بر سفارش صاحب مراسم یکی از خروارهای هیزم جلو منزل روحانی روستا انداخته می‌شود. صاحب مراسم شب و روزی که مراسم هیزمی برگزار می‌شود، افراد مشارکت‌کننده را به شام دعوت کرده و به هر کدام از آنان یک دستمال ابریشمی هدیه می‌دهد (فیاض و غربی، ۱۳۹۵).
عیدگاه	دارد	در نوروز	تمام مناطق سبزوار	از آیین‌های نوروز است. مردم اعم از مرد و زن در روزهای ابتدایی بهار به بهانه نوروز به محل‌های بیرون از روستا که به‌عنوان عیدگاه شناخته می‌شود، می‌روند و به سرگرمی‌های مانند انواع رقص‌های محلی، آوازاها و بازی‌های بومی و محلی می‌پردازند.
تاس قالیچه	ندارد	در آستانه نوروز	شهر سبزوار	از آیین‌های استقبال از نوروز و از جمله عمو نوروزهای منطقه است که دایره‌زنگی به دست گرفته و با خواندن اشعار و انجام حرکات نمایش‌گونه آمدن نوروز را به مردم نوید می‌دهد.
چشم آرو	صورت‌های دیگری از آن وجود دارد.	در آستانه نوروز	جنوب و جنوب غرب سبزوار	از آیین‌های استقبال از نوروز و همیاری منطقه است. در این آیین چند روز مانده به نوروز کوزه‌ای را تزئین می‌کنند و در مرکز آبادی که معمولاً در مجاورت منابع آبی مانند چشمه و قنات و غیره است، قرار می‌دهند و مردم آن را تا روز چهارشنبه آخر سال از وجوه نقد پُر می‌کنند و در شب آن روز آن را از بلندترین ارتفاع آبادی همراه با شادی به زمین انداخته، می‌شکنند. صبح هنگام که روستا در خواب است افراد نیازمند به آن محل رفته به‌اندازه نیاز خود از پول برمی‌دارند.

آیین‌های کشاورزی

کشاورزی در کنار دام‌پروری، حرفه اصلی مردم منطقه را به‌ویژه در گذشته شکل داده است. استقرار آتشکده آذربرزین مهر در منطقه به‌عنوان یکی از سه آتشکده اصلی ایران در عصر ساسانیان و اختصاص آن به کشاورزان، قدمت و اهمیت این حرفه را در منطقه نشان می‌دهد. حرفه کشاورزی و مقتضیات آن زندگی و فرهنگ خاص آن را ایجاد می‌کند. در زندگی و فرهنگ کشاورزی، مکان و زمان به عناصر با اهمیتی در جامعه تبدیل می‌گردند. زمین و مزرعه و زمان کشت و داشت و برداشت در فرهنگ کشاورزی این اهمیت را نشان می‌دهد. هر یک از این مراحل الزامات و مقتضیات خاص خود را دارد که می‌تواند برای کشاورزان نگران‌کننده باشد. جهت غلبه و یا کاهش و تخفیف این دل‌مشغولی‌ها، یکی از مکانیسم‌هایی معمول در منطقه مکانیسم‌های آیینی است. برای مثال چنانکه مردم منطقه در مرحله داشت، باران مورد نیاز خود را از آسمان دریافت نکنند دست به اجرای آیین تمنای باران که در منطقه با عنوان چولی چغل شناخته می‌شود، می‌زنند. در جدول زیر به برخی از این آیین‌ها که جلوه‌های اجرایی و بصری غنی‌تری دارند، اشاره می‌شود.

جدول (۳) - مختصات برخی از آیین‌های کشاورزی سبزوار

نام آیین	رواج	زمان اجرایی	اجرای منطقه	توضیحات
سده	به‌ندرت اجرا می‌شود	در پنجاه و پنج روز مانده به نوروز	جنوب و جنوب غرب سبزوار	در این آیین که در پنجاه و پنج روز مانده به نوروز اجرا می‌شود مردم با روشن کردن آتش، گذر از فصل سرما و رسیدن به فصل کشت و کار جشن می‌گیرند.
جشن خرمن	دارد	هنگام برداشت محصول	جنوب و جنوب غرب سبزوار	گندم مهم‌ترین و استراتژیک‌ترین محصول در زندگی مردم منطقه بوده است که برداشت آن همراه با برپایی آیین و جشن بوده است.
هفت گاو کش	دارد	شب یلدا	جنوب سبزوار	از آیین‌های شب یلدا است که در کنار برگزاری آیین‌هایی همچون کف‌زنی، شوچره، شاهنامه‌خوانی و غیره؛ در طبق‌هایی هفت محصول مهم منطقه که به کمک گاو کشت می‌شود را قرار داده و به میان جمع می‌آورند و آن تناول می‌کنند.
آوبچه	دارد	در اوایل بهار	جنوب	از آیین‌های سنتی تقسیم آب است که در ابتدای بهار برای تنظیم

نام آیین	رواج	زمان اجرایی	اجرایی منطقه	توضیحات
			سبزوار	سالانه مدار آب توسط مردان اجرا می‌شود.
چولی جغل	دارد		جنوب سبزوار	از آیین‌های تمنای باران است که کودکان سهم مهمی در اجرای آن دارند. در این کودکان روستا سر خر مرده را به چوبی متصل کرده به آن لباس می‌پوشانند و با خواندن اشعاری آن را در روستا می‌گردانند. و سپس آن را به آب روان می‌سپارند.

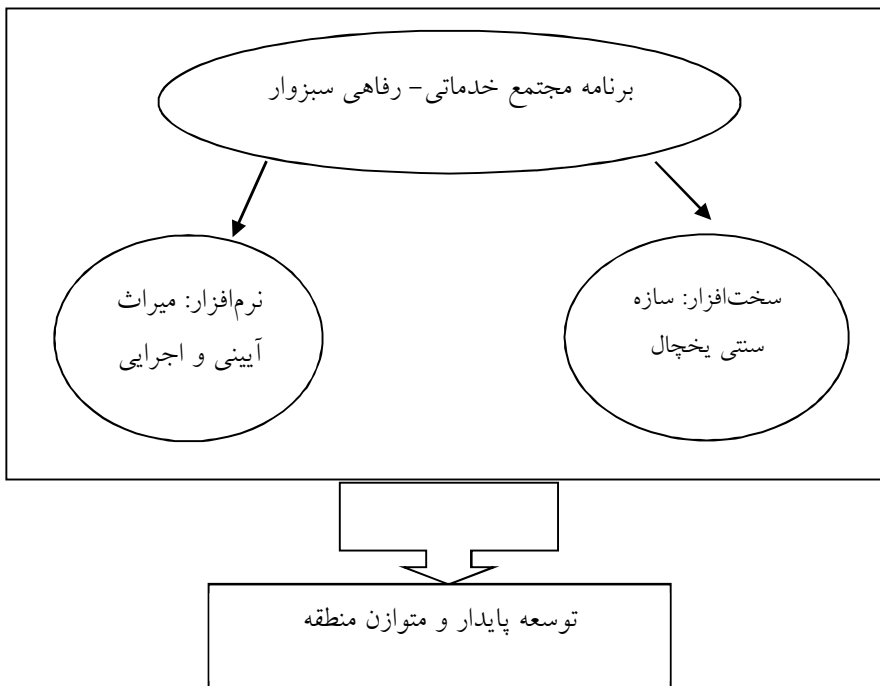
برونداد

با توجه به طرح مقاله حاضر، دو ویژگی مهم منطقه سبزوار را می‌توان در جنبه ارتباطی منطقه و غنای آن در حوزه سنت‌های فرهنگی- اجرایی دانست. آنچه این پژوهش به دنبال آن است، استفاده از این دو ویژگی در مسیر توسعه پایدار منطقه است.

یخچال‌های سه‌قلویی سبزوار به‌عنوان تنها بازمانده‌های یخچال‌های بیست‌ونه‌گانه سبزوار و بخشی از میراث فرهنگی منطقه، به علت متروک شدن، در معرض فرسایش و تخریب طبیعی و انسانی گسترده قرار داشته، بیم نابودی این سازه‌های فرهنگی می‌رود. از سویی میراث آیینی و اجرایی غنی منطقه به علت تغییر سبک زندگی در حال کم‌رنگ شدن در جامعه است. این میراث خود می‌تواند به‌عنوان عنصری درونی نقطه قوتی در مسیر توسعه درون‌زا منطقه تلقی شود. در کنار این دو مسئله، سبزوار به‌عنوان شهری که در مسیر یکی از مهم‌ترین راه‌های ایران قرار دارد؛ فاقد یک مجتمع خدماتی- رفاهی درخور توجه برای مسافران و رهگذران است. از این رو با توجه به آنچه گذشت طراحی و احداث یک چنین مجتمعی به‌عنوان یک برنامه توسعه‌ای در منطقه می‌تواند مطرح باشد. این برنامه با محوریت میراث فرهنگی منطقه قابل طرح است. در این برنامه با استعاره از برنامه‌های رایانه‌ای، می‌توان از بخش سخت‌افزار و نرم‌افزار سخن به میان آورد. همان‌طور که در طرح شماره یک مشخص است، آنچه سخت‌افزار این برنامه را شکل می‌دهد، یخچال‌های سه‌قلوی سبزوار است که در حاشیه مسیر تهران به مشهد قرار دارند و آنچه در این برنامه به‌عنوان نرم‌افزار مورد نظر است، میراث آیینی و روایی منطقه است. به‌عبارت‌دیگر با بازسازی و مرمت یخچال‌ها و افزودن تعدادی بنا همگون با معماری بومی و سنتی منطقه به مجموعه یخچال‌های سه‌قلو می‌توان ضمن حفظ یخچال‌ها از آن‌ها به‌عنوان مرکز نمایش، حفظ و اشاعه میراث روایی و فرهنگی منطقه استفاده کرد. در واقع با استفاده از این ظرفیت‌ها می‌توان اقامتگاه‌های متنوع و

مبتنی بر فرهنگ‌های محلی، طراحی و اجرا کرد. این برنامه شرایط برد-برد را برای مسافران و منطقه و جامعه محلی فراهم می‌آورد. مسافران می‌توانند با توقف در این مکان ضمن استراحت با جاذبه‌های فرهنگی و فرهنگ منطقه آشنا شده، بر غنای مسافرت خود افزوده و لحظات شاد و خاطره‌انگیزی را برای خود و خانواده در این مجموعه رفاهی- فرهنگی شکل دهند. از سویی این برنامه می‌تواند ضمن ایجاد اشتغال برای جامعه محلی، زمینه را برای حفظ میراث و فرهنگ محلی فراهم کند و در نهایت زمینه را برای توسعه پایدار و متوازن منطقه فراهم آورد.

طرح (۱)- برنامه طراحی و اجرای مجتمع خدماتی- رفاهی در سبزوار



نتیجه گیری

یکی از علل اصلی عدم کارایی و موفقیت کامل برنامه‌های توسعه، غفلت و عدم توجه جدی به مطالعات اجتماعی و فرهنگی در طرح و اجرای این برنامه‌ها است. این برنامه‌ریزی‌ها عمدتاً در مراکز، طراحی و در سایر مناطق اجرا می‌شوند. چنین رویکردی به توسعه عمدتاً امر توسعه را

امری کلان می‌داند و تلاش آن به‌سوی ارائه طرح‌های کلان و یکسان برای جوامع مختلف است. اما مقاله حاضر نگاه و توجه در سطح خرد را در امر توسعه راهگشا و مؤثر نشان می‌دهد. به‌عبارت‌دیگر، آنچه انگیزهٔ این مقاله را شکل می‌دهد، دعوت به در نظر گرفتن مختصات اجتماعی و فرهنگی در طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه است. در این رویکرد ارائه طرح‌های یکدست و یکسان برای تمامی نواحی و مناطق با حالت تردید نگریسته می‌شود. مفهوم توسعه درون‌زا که یکی از مفاهیم کلیدی در مطالعات توسعه با رویکرد خرد است، با عنوان رویکرد نظری هادی جریان پژوهش حاضر بوده است. آنچه به‌عنوان داده‌های تجربی در این مقاله این ایده را پشتیبانی می‌کند؛ طرح ایجاد مجتمع‌های رفاهی-خدماتی میان‌راهی در سبزوار است. در این مقاله تلاش شده با اتکا به برخی از مهم‌ترین مختصات فرهنگی منطقه طرحی ویژه برای طراحی یک استراحتگاه میان‌راهی در سبزوار ارائه شود. در این مقاله به ویژگی ارتباطی شهر سبزوار به‌عنوان نقطه شروع توجه شده است. استقرار سه یخچال سنتی که در مجاورت عمده‌ترین مسیر ارتباطی سبزوار قرار دارند به‌مثابه فرصتی در نظر گرفته شده است که می‌تواند محلی را برای ایجاد یک مجتمع‌های رفاهی-خدماتی با در نظر گرفتن ملاحظات فرهنگی فراهم آورد. از سویی دیگر آنچه مورد توجه است میراث آیینی و اجرایی منطقه است که می‌تواند با اضافه شدن به این سازه سنتی به غنای فرهنگی این مجموعه بیفزاید.

گرچه مواردی از باز به‌کارگیری برخی ابنیه و سازه‌های سنتی و فرهنگی کشور مانند حمام‌ها، کاروانسراها و یخچال‌ها در سایر نقاط کشور گزارش شده است که از جمله این موارد می‌توان به تغییر کاربری یخچال سنتی بم که امروز از آن به‌عنوان سالن آمفی‌تئاتر استفاده می‌شود، اشاره کرد. آنچه ایده این مقاله را از سایر موارد و نمونه‌ها متمایز می‌سازد، نگاه جامع و همه‌جانبه به فرهنگ منطقه مورد بحث و در نظر گرفتن بخش عمده‌ای از توانمندی‌ها و استعدادهای فرهنگی آن منطقه در طراحی یک مجموعه اقامتی با توسل به یک سازه سنتی متروک است.

به نظر می‌رسد طراحی و اجرای چنین برنامه‌ای در زمینهٔ احداث مجتمع‌های رفاهی-خدماتی میان‌راهی دو نتیجه و پیامد مطلوب به همراه داشته باشد. در نظر گرفتن ملاحظات فرهنگی مناطق می‌تواند موجب پذیرش و مقبولیت جامعهٔ محلی از برنامه شده و زمینه را برای حفظ و احیای سنت‌های فرهنگی مناطق فراهم کند؛ سنتی که علاوه بر کارکردهای درونی و خاص خود در جوامع می‌تواند به‌عنوان عنصر در جذب توریست عمل کرده، موجب رشد اقتصادی و توسعه

پایدار مناطق کشور شود. اما پیامد مطلوب دیگر متوجه مسافران و عابران است. با در نظر گرفتن ملاحظات فرهنگی در طراحی و اجرای مجتمع‌های رفاهی - خدماتی میان‌راهی این مراکز از تک کارکردی بودن که کارکرد خدماتی - رفاهی است به کارکردی افزون‌تر یعنی کارکرد فرهنگی ارتقاء می‌یابند. چنین کارکردی در این مراکز می‌تواند بر غنای سفر مسافران بیفزاید. در نهایت می‌توان گفت آنچه آورده نهایی چنین برنامه‌ای می‌تواند باشد، فراهم شدن زمینه برای رشد توسعه پایدار و متوازن منطقه است.

منابع

- احتشامی، منوچهر (۱۳۸۱)، *راه و راه‌سازی در ایران*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۳)، *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران: کیهان.
- امین لشکر، میرزا قهرمان (۱۳۷۴)، *روزنامه خراسان به همراهی ناصرالدین شاه*، به کوشش ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- بلیکی، نورمن (۱۳۸۴)، *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- بی‌نا (۱۳۹۴)، برند هر یک از شهرهای استان خراسان رضوی اعلام شد، منتشر شده در سایت *خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)*، تاریخ دسترسی، ۱۳۹۶/۱/۳۱، لینک دسترسی: <http://www.irna.ir/fa/News/82002361/>.
- بیهقی، محمود (۱۳۷۷)، *سبزوار شهر دانشوران بیدار*، مشهد: انتشارات امام.
- پاپلی یزدی، محمدحسین و مجید لباف‌خانیک (۱۳۷۸)، *یخچال و تولید یخ مصنوعی*، دومین کنفرانس منطقه‌ای تغییر اقلیم، ۳۴۳-۳۳۵.
- پاپلی یزدی، محمدحسین و محمدامیر ابراهیمی (۱۳۸۵)، *نظریه‌های توسعه روستایی*، تهران: سمت.
- داون، جیمز (۱۳۶۳)، *عارف دیهیم‌دار*، تهران: نگارستان کتاب.
- رضوانی، محمد رضا؛ نظری، ولی‌الله و محمدامین خراسانی (۱۳۸۹)، *فرهنگ مفاهیم و اصطلاحات برنامه‌ریزی و توسعه روستایی*، تهران: جهاد دانشگاهی واحد تهران.
- رفیع فر، جلال‌الدین و احسان لر افشار (۱۳۸۲)، بررسی انسان‌شناختی کاروانسراهای عصر صفوی، *نامه انسان‌شناسی*، دوره اول، شماره چهارم، ۶۰-۳۷.
- زاهدی، شمس السادات (۱۳۸۶)، *توسعه پایدار*، تهران: سمت.

- سپهر، محمدهمایون و مهدی عسگری (۱۳۹۲) آیین نخل‌آرایی و نخل‌گردانی روز عاشورا در ششتمد (سبزوار)، *فصلنامه مطالعات فرهنگی و اجتماعی خراسان*، سال هشتم، شماره ۱: ۱۶۱-۱۸۰.
- سنگ سفیدی، محسن و محمد عبدالله‌زاده ثانی (۱۳۸۸)، *سیمای شهرستان سبزوار*، سبزوار، نشر مؤلف.
- شفق، سیروس (۱۳۸۶)، یخچال‌های سنتی ایران مرکزی، نمونه‌ای از نبوغ معماری، *فرهنگ اصفهان*، شماره ۳۵، ۴۹-۴۲.
- شیعه، اسماعیل؛ بدری، علی‌اصغر (۱۳۸۴)، بررسی جایگاه مجتمع‌های خدماتی- رفاهی میان‌راهی از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان*، شماره ۱، ۹۰-۶۷.
- صفی‌نژاد، جواد (۱۳۸۵)، *مبانی جغرافیای انسانی*، چاپ هشتم، تهران: دانشگاه تهران.
- طاوسی، تقی (۱۳۹۰)، شرایط اقلیمی مؤثر در تکامل معماری یخچال، *مجله مطالعات ایرانی*، شماره ۲۰، ۱۹۲-۱۶۹.
- عبدالله‌زاده ثانی، محمد (۱۳۸۶)، *گزارش ثبتی یخچال‌های سبزوار*، اداره میراث فرهنگی سبزوار.
- عسکری، مهدی؛ غربی، موسی‌الرضا و مریم مصطفوی (۱۳۹۳)، حضور باشکوه فرودستان در حیات اجتماعی: بررسی موردی یک آیین در سبزوار، *جامعه، فرهنگ، رسانه*، شماره ۹: ۵۵-۶۹.
- علایی، علی؛ رنجبر، شمس و زهرا سبزی (۱۳۹۳)، آب‌گوارا در کویر بررسی دو نمونه از شاهکارهای معماری کویر آب‌انبار و یخچال سنتی، *اولین همایش ملی معماری، عمران و محیط‌زیست شهری*، همدان: انجمن ارزیابان محیط‌زیست هگمتانه.
- علایی، علی؛ مقدسی، محمدمهدی و ولی آقاصفیری (۱۳۹۲)، یخچال سنتی مصداقی از پایداری در معماری بومی و سنتی ایرانی، *اولین کنفرانس معماری و فضاهای شهری پایدار*، مشهد: گروه پژوهش‌های کاربردی پرمان.
- علیزاده گوهری، نغمه و محمد لطیفی (۱۳۸۵)، *معماری یخچال، شاهکاری در دل کویر، همایش منطقه‌ای معماری کویر*، اردستان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردستان
- عنبری، موسی (۱۳۹۲)، ستایش‌های شادمانه الگوی مؤثر شادزیستی مردمی در ایران، *مجله انسان‌شناسی*، شماره ۱۸، صص ۱۲۹-۱۰۱.
- غربی، موسی‌الرضا (۱۳۹۳)، *آیین‌ها به‌منابۀ عناصر حل تعارض در جوامع روستایی: بررسی سوبه‌های اجتماعی و فرهنگی سه آیین عاشورایی در ششتمد سبزوار*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مردم‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- فیاض، ابراهیم و موسی‌الرضا غربی (۱۳۹۵)، آیین آرا کردن در ششتمد سبزوار، *فرهنگ و ادبیات*، شماره ۸، ۲۴-۱.

- قریشی، سیدعلی (۱۳۷۹)، **بررسی وقف‌نامه‌های سبزوار و اثر آن‌ها در توسعه اجتماعی اقتصادی شهرستان**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق دانشگاه آزاد مشهد.
- محبی‌فر، احسان و وحیده مشاهدینی (۱۳۹۳)، تحلیل تأثیر فرم و معماری یخچال‌های کویر همگام با معماری پایدار، **اولین همایش ملی عمران، معماری و توسعه پایدار**، یزد: دانشگاه پیام نور یزد.
- محمدی، محمود (۱۳۸۱)، **فرهنگ اماکن و جغرافیای تاریخی بیهق**، سبزوار: آژند.
- مرادی‌نسب، حسین و فاطمه رهبری (۱۳۹۲)، **پایداری در معماری ایران نمونه موردی: یخچال‌های سنتی، اولین کنفرانس معماری و فضاهای شهری پایدار**، مشهد: گروه پژوهش‌های کاربردی پژوهش‌ها.
- مطیعی لنگرودی، حسن، و ابراهیم شمسایی (۱۳۸۸)، **توسعه و کشاورزی پایدار**، تهران: دانشگاه تهران.
- معماری، حمید (۱۳۹۳)، **معماری و معماران سبزوار**، سبزوار: فیروزی.
- مقصودی، منیژه و موسی‌الرضا غربی (۱۳۹۲)، **مراسم آئینی اسب چوبی سبزوار، مجموعه مقالات انسان‌شناسی هنر**، اصفهان: دانشگاه هنر اصفهان.
- نوباغی، مجید (۱۳۸۸)، **آثار و ابنیه تاریخی سبزوار**، سبزوار: امید مهر.
- هادی‌زاده کاخکی، سعید (۱۳۸۹)، **کاروانسرا در ایران**، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- هورکاد، برنارد (۱۳۷۴)، **یخچال‌های سنتی فلات ایران**، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، **تحقیقات جغرافیایی**، شماره ۳۷، ۵۶-۶۵.
- وحدتی، علی‌اکبر و همکاران (۱۳۸۹)، گزارش مقدماتی گمانه‌زنی در تپه دامغانی سبزوار بهار ۱۳۸۷، **مجله باستان‌شناسی و تاریخ**، شماره ۱۷، ۴۸-۳۶.
- ولایتی، سعیدا... و سعید توسلی (۱۳۷۰)، **منابع و مسائل آب استان خراسان**، مشهد: آستان قدس رضوی.
- الیوت، جنیفر (۱۳۹۲)، **درآمدی بر توسعه پایدار**، زنجان: دانشگاه زنجان.